

Abstract

The emergence of restorative justice is the result of changes in attitudes toward criminal justice and crime thinking over the past two decades. Restorative justice is to involve all parties involved in the crime in this process and to decriminalize and prosecute through means such as mediation, and the principle is not to prosecute the accused as much as possible. It also seeks to provide relief to the victim. The result is a reduction in the density of cases and a reduction in the victim's costs, and in the case of the accused, the provision of grounds for accelerating his socialization. Inspired by this new approach, Iran's criminal policy seeks to reduce the country's criminal population by using the facilities available in the non-governmental sector. In the Iranian legal system, which is influenced by jurisprudential views, this possibility exists in crimes subject to retribution and diyat, as well as a limited number of crimes subject to hadd. Therefore, one of the corrective and non-penal solutions in Islam is mediation and correction of the essence that exists in the disputes between individuals. This approach is accepted in both civil and criminal law systems.

بررسی جایگاه میانجیگری در سیاست جنایی ایران

سعیدداروگری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

اکبرورویی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

چکیده:

ظهور عدالت ترمیمی نتیجه تحولات به وجود آمده در نگرش به عدالت کیفری و تفکر ناظر به جرم در دو دهه گذشته می باشد. عدالت ترمیمی بر آن است که کلیه طرفین درگیر در جرم را در این فرایند مشارکت دهد و با ابزارهایی مانند میانجیگری سبب جرم زدایی و قضازدایی شود و اصل این است تا جایی که امکان دارد متهم را تعقیب نکند. همچنین درصدد فراهم کردن تشفی خاطر بزه دیده هست.

نتیجه این امر کاهش تراکم پرونده ها و کاهش هزینه های بزه دیده و در مورد متهم فراهم شدن زمینه برای تسریع در باز اجتماعی شدن او می باشد. سیاست جنایی ایران نیز با الهام از این رویکرد جدید در صدد کاهش جمعیت کیفری کشور با استفاده از امکانات موجود در بخش های غیر دولتی است در قانون آیین دادرسی کیفری میانجیگری در ماده ۸۲ در جرایم تعزیری درجه ۶، ۷، ۸ پیش بینی شده و منوط به موافقت طرفین است. در نظام حقوقی ایران که متأثر از دیدگاه های فقهی است، این امکان در جرایم مستوجب قصاص و دیات و نیز تعداد محدودی از جرایم مستوجب حد نیز وجود دارد.

بنابراین از جمله راهکارهای اصلاحی و غیر کیفری در اسلام، میانجیگری و اصلاح ذاتالبین است که در مورد اختلافات بین آحاد مردم وجود دارد. این راهکار در هر دو سیستم حقوق مدنی و کیفری پذیرفته شده است.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی، میانجیگری، آثار میانجیگری، اهمیت میانجیگری

گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران، گروه حقوق جزا

^۱ و جرم شناسی، واحد علوم و تحقیقات کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

استاد دانشگاه و عضو هیات علمی دانشگاه علوم انتظامی امین. (نویسنده مسئول)^۲

سیستم های مختلف حقوقی، روش واحدی را برای احاله پرونده به میانجی گری کیفری بر نمی گزینند. بسته به سیستم قضایی در هر کشور، پرونده کیفری می تواند توسط پلیس در همان مرحله مقدماتی، یا توسط دادستان، قاضی و یا حتی مجریان حکم مانند مقامات زندان به میانجی گری احاله شده و یا حتی توسط آنها اجرا یا نظارت شود.

میانجی گری و اصلاح ذات البین بر مبنای این اندیشه‌ی اسلامی استوار است که آحاد جامعه‌ی اسلامی در حقیقت برادران دینی یکدیگرند و مجرم یک هم‌نوع و برادر دینی است که مرتکب خطا و اشتباهی شده است. ارتکاب جرم توسط مجرم، او را از این امتیاز اجتماعی محروم نمی‌کند و همه‌ی افراد جامعه ضمن این که موظفند در برابر خطای او واکنش نشان دهند، نمی‌توانند او را از خود ندانند. سیاست جنایی اسلام بر این منوال است که از طریق غیرحکومتی و غیرکیفری و به شیوه‌ی دوستانه، اختلافات پدید آمده در روابط آحاد اجتماع اسلامی در اثر جرم را جبران کند. اصلاح ذات البین، فرصتی برای ترمیم این روابط مخدوش شده است و در این فرآیند، حکومت و جامعه و بزه‌دیده و بزه‌کار سهیم هستند. در واقع فرآیند اصلاح ذات البین به مفهوم پذیرش شخصیت انسانی مجرم به عنوان عضوی از جامعه و عدم پذیرش رفتار زیانبار اوست. بر این اساس از سویی بین شخصیت مجرم و رفتار مجرمانه‌ی او تمایز به وجود می‌آید و از سویی دیگر در این مصالحه، نقشی نیز بر عهده‌ی مجرم قرار می‌گیرد تا رفتار مجرمانه‌ی خود را جبران کند. این مسأله به مسؤولیت‌پذیری مجرم، ایجاد فرصت برای عذرخواهی او از بزه‌دیده و جبران خسارات او و پرهیز از طرد و برچسب خوردن منجر می‌شود. بنابراین باز اجتماعی نمودن و جامعه‌پذیری دوباره‌ی بزه‌کار یکی از اهداف اصلاح ذات البین است و اصلاح ذات البین از این قابلیت برخوردار است که فرد را از پیامدهای منفی برچسب زنی نجات دهد و طی یک فرآیند احترام‌آمیز وی را به زندگی عادی روزمره باز گرداند.

قرآن کریم در آیه‌ی اول سوره‌ی انفال همراه دستور به تقوای الهی به صراحت دستور به اصلاح ذات البین می‌دهد و می‌فرماید: از خدا بترسید و اختلاف بین خودتان را اصلاح و آشتی دهید.

در جای دیگر خداوند در صورت ایجاد جنگ و نزاع بین دو گروه از مؤمنان، دستور آشتی دادن آن دو گروه را می‌دهد: هر گاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ بپردازند، میانشان آشتی افکنید. (آیه ۹، سوره حجرات) این حکم اختصاص به جنگ ندارد و مورد غیر جنگی را نیز در بر می‌گیرد و شامل هر نوع درگیری و منازعه می‌شود. بدیهی است اصلاح و آشتی دادن در صورتی است که دو طرف نزاع، تمایل به صلح و آشتی داشته باشند. اما اگر یکی از دو گروه خواهان صلح و آشتی نباشد و بر گروه دیگری تجاوز کند، در این صورت چاره‌ای نیست جز این که جلوی ظلم و تجاوز گروه متجاوز گرفته شود. (علی حسین نجفی ابرند آبادی، محمد رضا شادمان فر و عبدالعلی توجهی، ۱۳۸۷)

۱ - مبانی نظری :

بدون تردید یکی از مهم ترین و با سلیقه ترین روش های اجرای عدالت ترمیمی، میانجی گری است که از نیمه دوم دهه هفتاد قرن بیستم میلادی تاکنون، در بسیاری از کشورها مورد استفاده قرار گرفته است. (غلامی، حسین، ۱۳۸۲) جایگاه این فرآیند در حوزه عدالت غیررسمی و نیز مراحل مختلف دادرسی، متفاوت بوده و می تواند به عنوان

فرآیندی منعطف در هر مرحله از دادرسی قابل اعمال باشد (در زمینه علوم جنایی، در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، ۱۳۸۹) تجربه مفهوم میانجی‌گری قبل از شروع عمده، در انگلیس عملاً به اوایل دهه ۱۹۷۰ برمی‌گردد (Mark S. Umbreit, ۲۰۰۲)

لیکن از اوایل دهه ۱۹۸۰ پروژه‌های مختلفی در انگلیس و ولز به دنبال استفاده از میانجی‌گری قربانی - مرتکب بدون اساس تقنینی به وجود آمده است (Anna Mestitz and Simona Ghetti, ۲۰۰۵). این کشور بعد از ورود عدالت ترمیمی به بریتانیا در سال ۱۹۸۰، ظرفیت‌های جدیدی را در حقوق خود برای به کارگیری میانجی‌گری در امور کیفری ایجاد نمود. اولین مؤسسه میانجی‌گری در حقوق انگلیس، به عنوان یک مؤسسه پلیس محور، شروع به کار کرد. در بلژیک نیز برای اولین بار، در اواخر سال ۱۹۸۰، برنامه میانجی‌گری کیفری برای مجرمین جوان طرح ریزی شد. بتدریج در سال ۱۹۹۰ این برنامه‌ها برای جرایم خفیف ارتكابی توسط افراد بزرگسال نیز، پیشنهاد گردید. اگر چه فرآیند میانجی‌گری در این کشور، به صورت مستقل از سیستم قضایی عمل می‌کند، اما نتیجه آن می‌تواند - در صورت پذیرش توسط قاضی پرونده - فرآیند قضایی را تحت تأثیر قرار دهد. (Droo Generoeck, Bram Van, 2010)

در حقوق ایران، تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۲، می‌توانستیم ماده ۱۹۵ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ را، اساس و مجرای مناسبی برای نهادینه نمودن میانجی‌گری کیفری در جرایم قابل گذشت تلقی کنیم. این ماده به قضات دادگاه‌ها توصیه می‌کرد، که در مواردی که امکان برقراری صلح وجود دارد، کوشش و جهد لازم را در زمینه اصلاح ذات‌البین انجام دهند. البته لحن این ماده، یک لحن دستوری نبود و در صورت امتناع قضات نیز، هیچ گونه ضمانت اجرایی در نظر گرفته نشده بود. اما بعد از اجرایی شدن قانون آیین دادرسی کیفری نوین، وضعیت تا حدود زیادی بهتر گشت. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به دلیل نگرش ترمیمی، حاوی ظرفیت‌های بیشتری برای رجوع به میانجی‌گری ایجاد کرده است.

۲- مفهوم میانجی‌گری

به موجب اصل ۲ قطع‌نامه اصول پایه در به کارگیری برنامه‌های عدالت ترمیمی مهم‌ترین فرآیندهای ترمیمی شامل، میانجی‌گری کیفری، آشتی، نشست‌های گروهی و خانوادگی و حلقه‌های تعیین مجازات می‌باشد که این قطع‌نامه به کشورهای عضو، توصیه می‌کند تا از این فرآیندها در نظام عدالت کیفری خود، استفاده نمایند. در میان اقسام شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف، میانجی‌گری پس از داوری، مهم‌ترین و پرکاربردترین شیوه حل اختلاف است و از آن به عنوان روشی که در مرکز ثقل شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف قرار دارد یاد شده است.

(Marriott, Arthur, 2003)

تعاریف مختلفی از میانجی‌گری شده است طبق یک تعریف، میانجی‌گری روشی است که به وسیله آن طرفین اختلاف به کمک شخص ثالث به دنبال رسیدن به توافق مشترک هستند. (Hess, Berkhard, 2005)

تعریف فوق کلی است و بسیاری از شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف را دربر می‌گیرد. بنابر تعریف دیگر میانجی‌گری عبارت است از مداخله یک شخص ثالث مورد قبول (بی طرف) که اختیاری برای صدور رأی ندارد و به طرفین درگیر در اختلاف برای اینکه به طور اختیاری به حل و فصل دوجانبه قابل قبول راجع به موضوعات مورد اختلاف دست یابند کمک می‌کند. (Berger, K.P, 2002)

بعضی از نویسندگان میانجی‌گری را به عنوان پروسه‌ای تعریف می‌کنند که از طریق آن یک شخص ثالث بی طرف یعنی میانجیگر، مذاکرات میان طرفین را به منظور کمک به آنها و رسیدن به حل و فصل اختلاف تسهیل می‌کند. هدف پشت پروسه میانجی‌گری آن است که سریع، ارزان و محرمانه باشد.

(Tweeddale, Andrea and Tweeddale, Keren, 2005)

هم سو با همین تعریف در تعریفی دیگر، میانجی‌گری به عنوان روش غیرالزام آوری توصیف شده است که در آن شخص ثالث بی طرف به طرفین اختلاف جهت رسیدن به حل و فصل مورد توافق در خصوص اختلاف مساعدت می‌کند و بنابراین میانجی‌گری به عنوان هنر جمع کردن طرفین اختلاف جهت حل و فصل اختلاف تلقی می‌شود. (Motiwal, O. P, 1998)

یکی دیگر از نویسندگان در تعریف میانجی‌گری بر الزام آور نبودن نظر میانجی‌گر تأکید می‌کند.

طبق این تعریف میانجی‌گری جریانی است که به موجب آن میانجی‌گر که شخص ثالث بی طرف است با طرفین برای حل اختلافشان از طریق (انعقاد) موافقت نامه کار می‌کند بدون اینکه راه حلی را به آنها تحمیل کند (Mistelis, L, 2001).

سرانجام طبق تعریف دیگر میانجی‌گری روشی است که در آن یک ثالث بی طرف (میانجی‌گر) به طرفین اختلاف در حصول حل و فصل خوشایند دو جانبه کمک می‌کند. هدف میانجی‌گرها تسهیل مبادله اطلاعات تحریک تفاهم میان طرفین و تشویق ارائه راه حل‌های موثر و سازنده است. (Kovach, K.K., 2005)

توسل به میانجی‌گری به عنوان یکی از جایگزین‌های تعقیب کیفری می‌تواند تا حد ممکن ضمن ترمیم روابط بزه دیده- بزه کار، امکان پاسخگو نمودن بزه کار در مقابل نتایج جرم ارتكابی، جبران صدمات ناشی از جرم برای بزه دیده و مشارکت جامعه محلی در فرآیند رسیدگی به جرم را فراهم نماید، که این امر می‌تواند از طریق اجرای مناسب مواد ۸۲ تا ۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری تحقق یابد.

شناخت کیفر و بررسی پاسخ‌های کیفری بر مبنای آثار و پدیده‌های عینی می‌تواند میزان کارکرد بازدارندگی، اصلاحی، تربیتی، جبرانی و سالب توان بزه کاری را تبیین نماید چرا که در غیراینصورت توجه محض به مبانی ذهنی، عقیدتی و اعتقادی نمی‌تواند پایگاهی مشروعیت‌زا در پاسخ وجود داشته باشد. (جاویدی، مجتبی، ۱۳۹۳)

بطور کلی میانجی‌گری روش یا آیین حل اختلاف است، فرآیندی که طی آن بر ضرورت مذاکره شرکت‌کنندگان با یکدیگر جهت حصول به یک توافق در خصوص دعوی مطروح تأکید و بر مبنای تصمیم‌سازی آزادانه و توأم با مشارکت طرفین، نسبت به حل و فصل خصومت اقدام می‌شود. در این روش میانجیگر هیچ برتری و مزیتی بر سایر شرکت‌کنندگان در حل و فصل خصومت ندارد و میانجیگر نمی‌تواند هیچ تصمیمی را بر دیگران تحمیل کند و طرفین وقتی به توافق جهت حل و فصل خصومت می‌رسند که هرکدام از آنها راه حل پیشنهادی را بپذیرند. (غلامی، حسین، ۱۳۸۵) وظیفه میانجیگر عبارت است از تشویق و کمک به طرفین اختلاف برای شنیدن گفته‌ها و ادعاهای یکدیگر در ارتباط با شرح ماوقع و رسیدن به تفاهم و راه حل مرضی‌الطرفین در خصوص اختلافشان. میانجیگر در صورت داشتن اختیار قبلی از سوی طرفین دعوی می‌تواند چنانچه آنان ناتوان از رسیدن به یک راه حل مرضی‌الطرفین باشند، راه حل خود را بر آنان تحمیل نماید. روش اخیر تحت عنوان داوری نیز شناخته می‌شود. در این روش تنها به انتساب تقصیر مبادرت نمی‌شود بلکه دلایل ریشه‌ای اختلاف را پیدا کرده و درصدد تنظیم رفتار آینده و حل مشکل گذشته برمی‌آیند، و هر دو طرف دعوی دیدگاه‌های خود را ابراز می‌دارند. (نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۷۷).

بنابراین میانجی‌گری فرآیندی است که به بزه دیده فرصت می‌دهد با بزه‌کار ملاقات کند و در فضای امن و آرام و با هدف حصول به آرامش و بهبودی و پاسخگو نمودن بزه‌کار جبران زیان‌های خود را تقاضا نماید. بزه دیده و بزه‌کار ضمن ملاقات چهره به چهره با یکدیگر، تجارب خود راجع به جرم را منتقل نموده، درخصوص آثار آن بر زندگی، روابط اجتماعی، احساسات و غیره توضیح می‌دهند.

۳- اهمیت میانجی‌گری:

مزایای میانجی‌گری در مقایسه با داوری و روش قضایی حل و فصل اختلافات، که عبارتند از کم‌هزینه بودن، انعطاف‌پذیری بالا، خصوصی و محرمانه بودن و امکان حفظ روابط طرفین، سبب شده است. (James, Paul, 1997) که در میان شیوه‌های مختلف غیر قضایی حل و فصل اختلاف، میانجیگری بیشترین رشد را دارا باشد. تحقیقات صورت گرفته نیز میزان بالای موفقیت میانجیگری را در حل و فصل اختلافات نشان می‌دهد که همین امر نیز موجب شده است که به میانجیگری به عنوان یک روش موفق و موثر در حل و فصل اختلافات نگریسته شود (Berger, K.P, 2002) یکی از اهداف این روش، جلوگیری از بزه‌دیدگی مجدد و مضاعف است، میانجیگر نیز باید دارای مهارت کلامی می‌باشد. اصلاح امور و رفع مخاصمات از راه میانجیگری یکی از راه‌های قضا‌دایی است که نتیجه نهایی آن جلوگیری از اعمال مجازات بر بزه‌کار است چرا که با غیر قضایی ساختن فرآیند رسیدگی به دعوی هدف عدم اجرای کیفر نیز محقق می‌شود.

۴ - شرایط ارجاع به میانجیگری

در ماده ۸۲ ق.آ.د.ک آمده است که در جرایم درجه ۶ و ۷ که مجازاتشان قابل تعلیق است، مقام قضایی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه‌دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب، مهلتی که بیشتر از دو ماه نباشد به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. همچنین مقام قضایی می‌تواند برای

حصول سازش میان طرفین، موضوع را با توافق آنها به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای جهت میانجی‌گری ارجاع کند. مدت میانجی‌گری از ۳ ماه بیشتر نخواهد بود. مهلت‌های مذکور در این ماده در صورت اقتضا فقط برای یک بار و به میزان مذکور قابل تمدید است، اگر شاکی گذشت کند یا خسارت او جبران شود و یا راجع به پرداخت آن توافق حاصل شود و متهم فاقد سابقه محکومیت کیفری باشد، مقام قضایی می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم تعقیب وی را از ۶ ماه تا ۲ سال معلق کند، در این صورت مقام قضایی متهم را با رعایت تبصره‌های ماده ۸۱ این قانون حسب مورد مکلف به اجرای برخی دستورات می‌کند، در صورت عدم اجرای تعهدات بنابر درخواست شاکی قرار تعلیق لغو و تعقیب مجدد آغاز می‌گردد.

روش تحقیق:

۵- انواع میانجی‌گری کیفری

۵-۱ میانجی‌گری کیفری بر چند نوع قابل تقسیم است:

۵-۱-۱ میانجی‌گری کیفری جامعه‌وی یا برون سیستمی

بر اساس این مدل از میانجی‌گری، ابتکار حل اختلاف به جامعه مدنی سپرده می‌شود و مقام قضایی یا دولتی دخالت ندارد. یا دخالت وی ضعیف است و فقط پرونده را به طرفین برای رسیدگی ارجاع می‌دهد و در صورت حل اختلاف نیز آن را بایگانی می‌نماید. این نوع میانجی‌گری در قسمت اول ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری جدید، لباس قانونی به خود گرفته است.

تفنینی شدن میانجی‌گری جامعه‌وی، نشانگر یک نوع سیاست جنایی مشارکتی واکنشی است که بعد از وقوع جرم، مردم در فرآیند کیفری مشارکت داده می‌شوند و حل موضوع مورد اختلاف به آنها سپرده می‌شود. اگر این امر با موفقیت صورت پذیرد، رسیدگی به پرونده کیفری متوقف می‌شود وگرنه طبق روال قبلی در نظام کیفری سنتی رسیدگی می‌شود.

شرایط ارجاع به میانجی‌گری مطابق مواد این قانون عبارتند از: ۱- شرایط مربوط به جرم ارتكابی (تعزیری بودن، خرد و کم اهمیت بودن، در نظر گرفتن شرایط تعلیق اجرای مجازات) ۲- درخواست متهم ۳- توافق طرفین دعوی با میانجی‌گری ۴- مدت دار بودن میانجی‌گری.

۵-۱-۲ میانجی‌گری جامعه‌وی- دولتی

این مدل نیز دارای همان خصوصیات میانجی‌گری جامعه‌وی است و از ظرفیت‌های نهادهای مردمی برای حل

اختلاف استمداد می‌شود ولی در آن مقام قضایی و دولتی نظارت دارد.

در حقوق کنونی ایران، "میانجی‌گری کیفری با نظارت قضایی" صراحتاً پیش‌بینی نشده است، اما شاید بتوان با مسامحه گفت که "شوراهای حل اختلاف" دارای ماهیت نیمه جامعه‌وی هستند. در آنجا که باید در جرایم قابل گذشت سعی در مذاکره و سازش نمایند و به این لحاظ که تحت نظارت مقام قضایی عمل می‌کنند، می‌توان آن را از نوع میانجی‌گری

جامعوی با نظارت قضایی محسوب نمود. این نوع از میانجی‌گری در قسمت دوم ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی به صراحت پذیرفته شده است. مطابق این ماده "...مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجی‌گری ارجاع دهد..." مطابق ماده ۱ قانون شوراهای حل اختلاف "به منظور حل اختلاف و صلح و سازش بین اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی، شوراهای حل اختلاف تحت نظارت قوه قضائیه تشکیل می‌گردد." در ماده ۱۳ همین قانون نیز آمده است، شورا مکلف است برای حل و فصل دعوی یا اختلاف و ایجاد صلح و سازش تلاش کند.

یافته‌های تحقیق:

۶- آثار حقوقی میانجی‌گری کیفری

با توجه به ماده ۸۲ فوق‌الذکر، نتیجه میانجی‌گری با توجه به قابل گذشت بودن یا غیر قابل گذشت بودن جرم ارتكابی متفاوت خواهد بود.

۶-۱ جرایم قابل گذشت

نتیجه موفق بودن میانجی‌گری در جرایم قابل گذشت، صدور قرار "موقوفی تعقیب" است. ماده ۸۲ ق.آ.د.ک. مقرر داشته است: "...در صورتی که موضوع اختلافی به میانجی‌گری ارجاع داده شود و شاکی گذشت نماید و موضوع از جرایم قابل گذشت باشد، تعقیب موقوف می‌شود..." این ماده همانند ماده شش قانون آیین دادرسی ۱۳۷۸ که بعد از گذشت شاکی خصوصی، صدور قرار موقوفی تعقیب را پیش‌بینی نموده، همین قرار را در صورت موفق بودن میانجی‌گری در جرایم قابل گذشت پیش‌بینی نموده است.

۶-۲ جرایم غیر قابل گذشت

نتیجه مثبت بودن میانجی‌گری در جرایم غیرقابل گذشت تجویز "صدور قرار تعلیق تعقیب" توسط مقام قضایی است. مطابق ماده فوق‌الذکر در صورتی که موضوع اختلافی از جرایم غیر قابل گذشت باشد و به میانجی‌گری ارجاع داده شود و شاکی گذشت نماید یا خسارت او جبران شود و یا راجع به پرداخت آن توافق حاصل شود و متهم نیز فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، مقام قضایی می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال "معلق" نماید. در این صورت مقام قضایی، متهم را با رعایت تبصره‌های ماده ۸۱ این قانون حسب مورد، مکلف به اجرای برخی دستورهای موضوع ماده مذکور می‌کند. همچنین در صورت عدم اجرای تعهدات مورد توافق از سوی متهم بدون عذر موجه، بنا به درخواست شاکی یا مدعی خصوصی، قرار تعلیق تعقیب را لغو و تعقیب را ادامه می‌دهد.

۷- آیین رسیدگی میانجی‌گری

آیین رسیدگی میانجی‌گری و قواعد حاکم بر حل و فصل اختلاف به صورت انعطاف‌پذیری به توافق طرفین و نیز تشخیص و اراده شخص میانجی‌گر بستگی دارد. جریان کلی میانجی‌گری‌ها بدین صورت است که پس از ارجاع اختلاف به میانجی‌گری و تعیین میانجی‌گر هر یک از طرفین در حضور طرف دیگر خلاصه‌ای از دعا و ادعاها و دلایل

خود را بیان می‌دارد و اسنادی را که ادعاهای وی را ثابت می‌کند ارائه می‌نماید. در ابتدای جلسه مشترک، میانجیگر کلیاتی را جمع به ماهیت پروسه میانجی‌گری و فرصت‌های حاصله از آن بیان خواهد کرد. (Soo, Gary, 2000)

پس از این مرحله که میانجیگر با اختلاف طرفین و ادعاهای و دلایل آنها آشنا می‌شود وی با هر یک از طرفین به طور جداگانه و خصوصی درباره اختلاف و ادعاهای و مستندات و خواسته‌های آنها گفتگو می‌کند و تلاش می‌نماید دیدگاه‌های آنها را به هم نزدیک سازد.

در صورتیکه میانجی‌گری به صورت نهادی یا سازمانی جریان یابد، مقررات موسسه یا سازمانی که طرفین بر اجرای قواعد آن توافق کرده‌اند تشریفات حاکم بر میانجی‌گری را مشخص خواهد کرد. به عنوان نمونه "در قواعد میانجی‌گری دیوان داوری بین‌المللی لندن که از اول اکتبر ۱۹۹۹ به مرحله اجرا گذاشته شده است و دارای ۱۱ ماده و یک شرط پیشنهادی جهت درج در قراردادها است نحوه ارجاع اختلاف به میانجی‌گری و چگونگی رسیدگی میانجی و حل و فصل اختلاف و نیز نحوه خاتمه میانجی‌گری مشخص گردیده است. (Tweeddale, Andrea and

Tweeddale, Keren, 2005)

۸ - میانجی‌گری در جرایم اطفال و نوجوانان

تمرکز و محدودیت قابل تأمل برنامه‌های میانجی‌گری کیفری در اکثر کشورهای استقبال‌کننده در ابتدا حول محور عدالت کیفری صغار بود. از آنجا که رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان بزه‌کار مستلزم وجود یک دادرسی ویژه برای آنان است، بنابراین میانجی‌گری برای اطفال و نوجوانان نیز تفاوت‌هایی با میانجی‌گری برای بزرگسالان دارد. به عبارت دیگر در مورد اطفال و نوجوانان نکات خاصی وجود دارد که باعث می‌گردد میانجی‌گری برای این گروه‌های سنی، نیاز به تخصص خاصی داشته باشد.

علت آن است که نوجوانان و جوانان، افرادی بسیار تحریک‌پذیر و پرنرژی هستند که معمولاً از روی انگیزه‌آنی و بدون فکر قبلی دست به کار خلاف می‌زنند. بعلاوه جرایم ارتكابی توسط آن‌ها، بیشتر شامل توهین و افترا، جراحت‌های خفیف و کتک‌کاری است. (Semini Mariana, Mandia Ledina, 2009)

۹ - میانجی‌گری در جرایم علیه زنان

اتفاق نظر فمینیست‌ها (طرفداران حقوق زنان) و نیز برخی از طرفداران حقوق بزه‌دیدگان بر آن است که برنامه‌های عدالت ترمیمی برای پرونده‌هایی که شامل خشونت علیه زنان بوده، مناسب نمی‌باشد. بویژه زمانی که خشونت از سوی محارم صورت گرفته باشد. از این رو کاوش و بررسی در زمینه تناسب برنامه‌های عدالت ترمیمی، بخصوص میانجی‌گری کیفری با این گونه جرایم نیز تا حد زیادی مورد غفلت واقع شده است. بعلاوه تا سال ۲۰۱۱ نیز سازمان ملل متحد (UN) و نیز اتحادیه اروپا، دستورالعمل‌هایی را صادر کرده بودند که مانع استفاده دولت‌های عضو از میانجی‌گری کیفری در مورد پرونده‌های مربوط به خشونت علیه زنان، قبل و بعد از رویه قضایی می‌شد. (Gavrielides Theo, .)

(Artinopoulou Vasso , 2011)

مهم ترین دلیل این امر، آن است که پرونده های مربوط به خشونت علیه زنان، پرونده های کاملی هستند که اکثراً شامل یک رابطه قوی بین بزه دیده و بزه کار بوده و در سطح بالایی از بزه دیدگی مجدد قرار دارد. زنان بزه دیده، جزو قربانیان آسیب پذیر و خاصی هستند که میانجی گری در پرونده های آنان نیاز به قابلیت بالا و وکلای ترمیمی خبره دارد که به بسیاری از مشکلات قربانیان آسیب پذیر آشنایی کامل داشته باشند. بعلاوه، مسائلی چون نابرابری جنسیتی در اکثر جوامع دنیا رایج بوده و نیز جایگاه زنان در سیستم عدالت سنتی، از موارد دیگری است که شرکت در جلسات میانجی گری را برای زنان بزه دیده سخت و مشکل و در مواردی بی فایده نموده است. با این وجود، نتایج تحقیقات محدودی در گذشته، نشان دهنده اثربخشی این فرآیند است. به عنوان نمونه مؤسسه تحقیقاتی بریتانیا در سال ۱۹۹۵، مقاله ای را در زمینه استفاده از میانجی گری کیفری در سوء استفاده از زنان منتشر کرد که به تحلیل تئوریکال مباحث له و علیه استفاده از میانجی گری کیفری در پرونده های مربوط به خشونت های خانگی علیه زنان، پرداخت که نتیجه آن تقویت این گونه فرآیندهای قدرت بخش برای زنان بود. ده سال بعد این تحقیق با تمرکز روی بزه دیدگان زن، مجدداً تکرار شد. طی این تحقیق پرسش نامه هایی به افرادی که در میانجی گری کیفری شرکت کرده بودند، فرستاده شد. از مجموع ۳۳ جلسه میانجی گری کیفری انجام شده، نتایج زیر به دست آمد: ۸۳ درصد از همه بزه دیدگان جرایم مربوط به خشونت خانگی که تحت میانجی گری مستقیم قرار گرفته بودند، دیگر هیچ خشونت بعدی را اعلام نکردند. ۸۰ درصد از این افراد، علت واقعی عدم تکرار خشونت مجدد را، شرکت در جلسات میانجی گری می دانستند که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به آن ها کمک کرده بود تا دوباره قدرت بگیرند ۱۰ - نهادهای صالح جهت ارجاع دعوی به میانجی گری

کیفری

در مورد مرجع ارجاع پرونده کیفری به میانجی گری، می توان گفت که یکی از نوآوری های قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۸۲، این است که به جای واژه دادستان و بازپرس از واژه مقام تعقیب استفاده کرده است، که به نظر می رسد واژه بهتری است. اگرچه به نظر می رسد مقام قضایی شامل همه مأموران قضایی، اعم از دادستان، بازپرس، معاون دادستان و حتی قاضی را نیز شامل می شود اما بر اساس فصل سوم از بخش دوم این قانون که تحت عنوان "وظایف و اختیارات دادستان" است، چنین به نظر می رسد که منظور از مقام تعقیب در این ماده، دادستان می باشد. زیرا ماده ۸۲ نیز در همین بخش و ذیل وظایف و اختیارات دادستان آورده شده است.

البته همانطور که در تبصره این ماده آمده است، بازپرس نیز می تواند ارجاع به میانجی گری را از دادستان تقاضا نماید. بعلاوه از آنجا که در این ماده هر گونه ارجاعی به مراکز غیرقضایی را منوط به توافق بزه دیده و متهم نموده، لذا می توان این گونه برداشت نمود که خود متهم و یا بزه دیده نیز می تواند چنین درخواستی را از دادستان و یا حتی بازپرس داشته باشند.

بعلاوه، حتی اگر مقام قضایی نیز در وظیفه خود نسبت به فرستادن پرونده مورد نظر در صورت وجود شرایط موجود در قانون کوتاهی نماید، قاضی نیز وظیفه دارد، قبل از صدور هر حکمی در صورت وجود شرایط لازم نسبت به تشویق طرفین به صلح و سازش و یا ارجاع پرونده به مؤسسات و یا نهادهای میانجی گری در راستای قانون اقدام نماید. زیرا

در بسیاری از متون اسلامی تشویق به سازش از سوی قاضی به عنوان یکی از آداب شایسته قضاوت مورد تأکید قرار گرفته است. (حسینی، سید محمد ۱۳۷۸)

نتیجه گیری:

آیین دادرسی کیفری در ماده ۸۲ موضوع «میانجیگری» را در تمام جرایم قابل گذشت و جرایمی که گذشت شاکی یا مدعی خصوصی موثر در تخفیف مجازات است را مطرح نموده است شق اول ماده میانجی گری کیفری جامعوی و شق دوم ماده ۸۲ جامعوی - دولتی می باشد. در صورت توافق بر میانجیگری و تحقق آن، در جرایم غیرقابل گذشت تعقیب تعلیق می شود و در جرایم قابل گذشت قرار موقوفی صادر می شود. این امر موجب می شود متهمان و کسانی که برای اولین مرتبه مرتکب جرم شوند از برچسب مجرمانه رهایی یابند و در همان دادسرا در صورت فقدان شاکی خصوصی و یا گذشت او با هم توافق کنند و دیگر مسئله به دادگاه کشیده نشود و زمینه برای برگشت او به جامعه فراهم شود و همچنین باعث کاهش حجم پرونده ها می شود و در مورد بزه دیده باعث می شود زودتر به خواسته خود برسد و هزینه های او را کاهش می دهد.

منابع :

- ۱- جاویدی، مجتبی (۱۳۹۳)، تحلیل انتقادی تبیین ها پوزیتیویستی (اثبات گرا) از بزه کاری با تأکید بر اندیشه علامه طباطبائی، رساله دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه امام صادق، تهران.
- ۲- حسینی، سید محمد (۱۳۷۸)، "نقش میانجی گری در فصل دعاوی و پاسخ دهی به نقض هنجارها، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۵.
- ۳- غلامی، حسین، عدالت ترمیمی، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- ۴- غلامی، حسین (۱۳۸۲) عدالت ترمیمی: اصول ها و روش ها، فصلنامه دانش انتظامی، سال پنجم، شماره ۵.
- ۵- علی حسین نجفی ابرند آبادی، محمد رضا شادمان فر و عبدالعلی توجهی، «اصلاح ذات البین و نظریه ی عدالت ترمیمی»، فصل نامه مدرس علوم انسانی، دوره ی ۱۲، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۷
- ۶- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، دانشنامه جرم شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول ۱۳۷۷.

۷- در زمینه علوم جنایی، در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).

۸- ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۷، تهران، دارالکتب اسلامیه، چاپ سی و پنجم، ۱۳۷۷.

۹-Gavrielides Theo, Artinopoulou Vasso. (2011), Restorative Justice and Violence Against Women : Comparing Greece and The United kingdom.

۱۰-Semini Mariana, Mandia Ledina (2009), "Restorative Justice and Victim – Offender Mediation in Criminal Matter Involving Teenagers and Youngsters in Albania", HUMSEC Journal, Issue3.

۱۱. Soo, Gary, (2000), "Working Through Unworkable Mediation", Arbitration : the Journal of the Chartered Institute of Arbitrators vol.68, No.2.

۱۲. Berger, K.P., (2002), Private Dispute Resolution: Negotiation Mediation Arbitration, vol.2

۱۳-Motiwala, O. P., (1998), "Alternative Dispute resolution in India", Journal of International Arbitration, vol.15, No.2.

۱۴-Marriott, Arthur, (2003), "ADR in Civil and Commercial Disputes", Bernsteins Handbook of Arbitration and Dispute Resolution Practice, John Tackaberry and Arthur Marriott (Editors), Vol. 1, London, Sweet and Maxwell.

۱۵.James, Paul, (1997), The Divorce mediation Handbook, San Francisco, Jossey-Bass.

۱۶.Berger, K.P., (2002), Private Dispute Resolution: Negotiation Mediation Arbitration, vol.2.

۱۷.Mistelis, L. A., (2001), "ADR in England and Wales", the American Review of International Arbitration, vol.

۱۸.Kovach, K.K., (2005), "Mediation", The Handbook of Dispute Resolution, Michael L. Moffitt and Robert C. Bordon (Editors), Jossey- Bass.

۱۹.Hess, Berkhart, (2005), "Mediation et Contentieux de la Consommation", Mediation et Arbitrage : Alternative Dispute Resolution, Loic Cadiet et Thomas Clay et Emmanuel Jeuland(ed), Paris

۲۰.Tweeddale, Andrea and Tweeddale, Keren, (2005) Arbitration of Commercial Disputes : International and English Law and Practice, New York, Oxford University Press.

۲۱-Mark S. Umbreit, Victim Offender Mediation, An Essential Guide to Practice and Rearch, 2001, Center for Restorative Justice and Peace making University of Minnesota, School of Social Work.

۲۲-Anna Mestitz and Simona Ghetti, Victim-Offender Mediation With Youth Offenders in Europe An Overveiw and Comparison of 15 Countries 2005 Springer.

۲۳-DrooGeneroeck, Bram Van (2010) victim offender mediation in sevele crimes in Belgium : What Victim Need and Offenders can offer.